

ارنست همینگوی

نامه‌های ارنست همینگوی

مترجم:
احسان لامع

انتشارات گپوا

سرشناسه	همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹ - ۱۹۶۱ م.
عنوان و نام پدیدآور	Hemingway, Ernest
مشخصات نشر	نامهای ارنست همینگوی / مترجم احسان لامع - تهران: گیلو، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۹۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۱-۸۷۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	۲۰۱۱-۲۰۱۵, The letters of Ernest Hemingway عنوان اصلی:
موضوع	همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹ - ۱۹۶۱ م. - نامه‌ها
موضوع	Hemingway, Ernest -- Correspondence
موضوع	داستان‌نویسان آمریکایی - قرن ۲۰ م. - نامه‌ها
موضوع	Novelists, American -- 20th century -- Correspondence
شناسه افزوده	لامع، احسان، ۱۳۵۶ - مترجم
رده بندی کنگره	PS۵۴۳
رده بندی دیویی	۵۲/۸۱۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۰۷۳۰۷

نامۀ های ارنست همینگوی

نوشته ی		ارنست همینگوی
مترجم:		احسان لامع
ناشر:		انتشارات گیوا
ناشر همکار:		انتشارات تی آرا
طراح جلد:		آنی درموسیسیان
شابک:		۹۷۸-۶۰۰-۴۵۱-۸۲۶-۵
نوبت چاپ:		اول / پاییز ۱۴۰۰
تیراژ:		۱۰۰۰
قیمت:		۸۹.۰۰۰ تومان
آدرس و تلفن:		تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان نادر جنوبی، نبش کوچه

حق چاپ و نشر، بر اساس قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان برای ناشر محفوظ است.

جهت تهیه ی کتاب به سایت ناشر مراجعه کنید: www.givabook.com

مقدمه

نامه‌های ارنست همینگوی که آخرین کتاب آن در سال ۲۰۱۵ منتشر شده، حاصل سالها تلاش استاید دانشگاه کمبریج است. این مجموعه که اولین بار منتشر شده‌اند، نامه‌های نوشته شده‌ی همینگوی از حدود نه سالگی به خانواده و دوستانش است. تمام ابعاد زندگی و شخصیت واقعی این نویسنده در این نامه‌ها بازتاب یافته است. شخصیتی که از همان دوران کودکی بسیار پرتلاش و زحمتکش بوده و پیش از آنکه نویسنده باشد، کشاورزی تمام‌عیار بوده است. از کودکی در روستاهای دورافتاده در زمین‌های کشاورزی کار می‌کرده، به ماهیگیری و مطالعه‌ی مجله از همان کودکی علاقه‌ای شدید داشته و عاشق ورزش بوکس بوده است. شخصیتی مهربان که رابطه بسیار خوبی با پدر و مادر و کل خانواده‌اش داشته و شاید به همین خاطر است که اخلاق گرایی در تک‌تک آثارش موج می‌زند.

ارنست همینگوی نگرش و تفکر مردم را درباره‌ی دنیای پیرامون تغییر داد، اما همان‌طور که آثارش همچنان سزاوار توجه عالمانه و اقبال جهانی

است، تاثیر متقابل نبوغ هنری و زندگی شخصی اش کمتر درک شده و نیازمند درک بیشتری است و نامه‌های همینگوی که بازتاب ذهنیات و اندیشه‌های شکل گرفته در مورد این نویسنده و تحول هنر نوشتن‌اش است، به این درک کمک می‌کند. جلد اول نامه‌ها که در این مجموع گردآوری شده است، تصویر نامه‌واری از همینگوی ترسیم می‌کند. نامه‌هایی که او از روزهای اول زندگی‌اش در اوک پارک نوشته تا نخستین سال زندگی‌اش در ۱۹۲۲ در پاریس که سرمنشأ نویسندگی‌اش شد. مکاتباتش با خانواده و دوستان از زمان کار با روزنامه کانزاس سیتی استار تا زخمی شدن و گذراندن دوره نقاهتش در ایتالیا در مدت جنگ جهانی اول و بازگشتش به میشیگان و ماهیگیری در جایی که تابستان‌های نوجوانی‌اش در آنجا سپری شده بود، همگی تجربیات وی را نشان می‌دهد، صدای تازه‌ای که از این نامه‌ها برمی‌آید صدای نویسنده‌ای جوان است، جوان سخت‌کوش و جاه‌طلبی که هنوز تبدیل به اسطوره و پایا نشده بود.

نامه‌هایی که در این جلد آمده‌اند، مزین عاطفی سن همینگوی را می‌سنجند که مستقیم با دنیای به سرعت در تغییر مواجه می‌شود. گاهی نامه‌ها لاف‌زن و خودخواهانه به نظر می‌آیند که در دوران جوانی غیرعادی نیست، اما اغلب با شوخ‌طبعی، پرشوری، صداقت و جذابیت همراه است.

نامه‌ها گواه دو تاثیر گذاری اساسی بر روان و هنر همینگوی در روزگار جوانی است؛ رشد در طبقه‌ی متوسط و تجربه‌ی او از جنگ جهانی اول. عده‌ای معتقد بودند همینگوی از ریشه‌های اوک پارکی خود بیزار بود و با خانواده‌اش مشکل داشت، از خواندن نامه‌هایی که خطاب به

خانواده‌اش هستند، حیرت‌زده خواهند شد. لحن گفتگوها، پیچیدگی، پرمایگی متن نشان می‌دهد که خانواده برای همین‌گویی مفهوم و اهمیت فراوانی داشت و از رابطه‌اش با آن‌ها در گذر زمان کاسته نشده بود.

تجربه‌ی جنگ و ارتباط آن با نوشته‌هایش سزاوار ارزیابی مجدد نامه‌های وی در طول جنگ است: نامه‌هایی که به خانواده‌اش نوشته تا به حال منتشر نشده بودند. مجروح شدنش در جنگ جهانی اول که در مقام راننده‌ی آمبولانس صلیب سرخ آمریکا خدمت می‌کرد، از لحاظ روانی او را ترساند و باعث شد که از نظر عاطفی قهرمانی آسیب‌دیده خلق شود تا زندگی‌اش را در جهانی آشفته با قانون لطف در پناه فشار به سر آورد. با این همه نامه‌های همین‌گویی بر نگاه ریزین وی به جنگ و تمایلش به عاشقانه ساختن کارهایش در مدت دوره‌ی جنگ تأکید دارد. در مدت سپری کردن دوره‌ی نقاوت در میلان بین ماه‌های جولای تا دسامبر ۱۹۱۸، نامه‌های زیادی به خانواده‌اش نوشت که هیچ یک بی پاسخ نماندند.

در ۱۴ جولای ۱۹۱۸ تدبرامبارک دوست همین‌گویی به کلارنس و گریس همین‌گویی نامه نوشت. جزئیات مجروح شدن همین‌گویی را توضیح داد و از شجاعت وی در رفتن به خط مقدم به طور داوطلبانه و پخش سیگار و شکلات در بین نیروهای ارتش و همچنین شجاعتش در نجات سرباز ایتالیایی در حالی که پاهایش جراحت شدیدی برداشته بود و از آسمان آتش می‌بارید، سخن گفت. همین‌گویی در سال ۱۹۲۲ در سمت خبرنگاری و برای تهیه‌ی گزارش به کشورهای آلمان، ایتالیا و روسیه سفر کرده است. او از این شغل خسته شده و در نامه‌ای به تاریخ ۹ مارس

۱۹۲۲ به شروود آندر سن به خستگی اعتراف کرده و گفته به زودی این شغل را کنار خواهد نهاد.

نامه‌های همینگوی حجم بسیار بالایی دارد. سال‌ها برای جمع‌آوری آنها تلاش شده است. گردآورندگان تفسیر و توضیح مفصلی راجع به رویدادها و مکان‌ها و شخصیت‌های داستان‌های همینگوی نوشته‌اند. به همین خاطر گردآوری این نامه‌ها سال‌ها زمان برده است. اولین مجموعه، کتابی که شامل نامه‌های نوشته شده در سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۲۲ است، به کوشش ساندرا اسپانیو، رابرت تراگدون^۱ و آلبرت دفازیو^۲ گردآوری و در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و دو جلد بعد هم سال‌های بعد منتشر شدند.

جلد اول در کل راجع به دوران کودکی و تجربه جنگ جهانی و سفرش به پاریس است. جلد دوم نامه‌های سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۵ را در بر می‌گیرد و جلد سوم از سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹. همچنین تصاویری از کودکی تا سال‌های آخر عمر او در این مجموعه‌ها برای اولین بار منتشر شده است. کتاب حاضر جلد اول را در بر می‌گیرد.

همینگوی اهل شعار نبود. دغدغه داشت. دغدغه آزادی و خوب زیستن. هر آنچه نوشته، ابتدا لمس کرده است. آثارش صرفاً تخیل نبود. وی تجربه شخصی‌اش را در رمان‌هایش نوشته است. این آزادی و شادی را در زندگی تجربه کرده بود. با طبیعت می‌زیست، ورزشکار بود و... اما تفکر آزادی و جست‌وجوی شادی حاصل پیامدهای رقت‌بار جنگ

^۱ Sandra Spanier

^۲ Robert W. Trogdon

^۳ Albert J. DeFazio

است. به نوعی فرافکنی و فراموشی رویدادهای دردناک جنگ که تجربه‌اش کرده بود.

همینگوی آرمان‌گرا، اما پیگیر آرمان‌های متفاوتی بود. این که شخصیت‌های آثارش در طلب لذت و خوشی بودند، درست نیست. شخصیت‌های آثار مطرحتش همگی یا درگیر جنگ هستند یا آرمان خود. این شخصیت‌ها گاه انقلابی هستند، گاه بیزار از جنگ، گاه سرخورده. مثلاً هدف شخصیت داستان «داشتن و نداشتن» با اهداف کاراکترهای «وداع با اسلحه» یا «پیرمرد و دریا» متفاوتند.

خیلی‌ها بر این باورند نثر همینگوی ساده است. شاید این طور باشد، اما در پس این واژه‌های ساده، پیچیدگی‌های زیادی نهفته است. مترجم با این نثر دست و پنجه نرم می‌کند و گاه فریب می‌خورد، چون در پس این سادگی و پاکیزگی، ضرباهنگی هست؛ ظرافت خوابیده است. پس کار مترجم راحت نیست. در آثاری که از همینگوی ترجمه شده و حتی ترجمه‌های خود من، فهم و درک مترجم بیشتر دخیل بوده است. مترجم هر چه فهمیده، نوشته است.

ترجمه‌ی این اثر کار بسیار سنگینی بود. ساعتها با واژه‌های پر از غلط با شوخی‌ها و اسامی‌های غیر واقعی سر و کله زدم. هر طور دلش خواسته و هر آنچه بر ذهنش رسیده بود، همان گونه بر کاغذ آمده است. مملو از تلمیح و جملاتی پر از ایرادات دستوری که در ترجمه نمی‌شد بر آنها وفادار بمانم، چون قطعاً نامفهوم درمی‌آمدند. برای فهم این موضوع شروع یکی از نامه‌ها (به امیلی کوتزمان ۱۸ مارس ۱۹۱۶) را در اینجا می‌آورم:

On pended gknees I peg your barden vor the ladness of this
legger. Bud a gombination of monthly examinachugs and Bad

goldt are my eggscuse or to quote the immortal lines the books
are ruggig- also my gnose

این مثال می تواند به خوبی سختی کار را ترسیم کند. مواردی از
این گونه زیاد بود. اما بالاخره پایان یافت. ناگفته نماند که تعدادی از
نامه های این جلد به دلیل بازگو کردن رویدادهای تکراری در روزهای
متوالی ترجمه نشد. همچنین عرض کنم که قصد ندارم جلدهای بعدی
این نامه ها را ترجمه کنم و امیدوارم سایر مترجمین به این کار بزرگ
همت بگذارند.

احسان لامع

اسفند ماه ۱۳۹۶

www.ketab.ir